fpcej.ir

Family Pathology, Counseling & Enrichment

2020. Vol. 6, N. 1 (11): 167- 186.

The effectiveness of systemic-constructive couple therapy on irrational beliefs and alexithymia in women seeking divorce

Zahra Aqamirmohamdali Z.aqamir@aut.ac.ir — **Corresponding Author:** MA, Clinical Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Khadijeh Kaboli — MA, Psychology, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Azade Kalani Sarokolaei — MA in Educational Psychology, Institute of Higher Education Farvardin Ghaem Shahr, Mazandaran, Iran.

Abstract

Numerous psychological factors are responsible for the occurrence of marital disputes and divorce among couples that need to be treated and controlled. Therefore, this study conducted to investigate the effectiveness of the systemic-constructivist couple therapy approach on irrational beliefs and alexithymia of women seeking a divorce. The method of this research was quasi-experimental with pre-test-post-test and control groups. The study population included all women seeking divorce referred to counseling centers and family clinics in Tehran in the first six months of 2019, 30 of whom selected by purposive sampling and randomly in experimental and control groups. They assigned in equal proportions. The experimental group received the systemic-constructivist couple therapy approach in 9 sessions of 120 minutes (2 sessions per week); the control group placed on a waiting list. The irrational Beliefs Questionnaire by Jones (1968) and Alexithymia Questionnaire by Bagby et al (1994) used to collect data. Multivariate analysis of covariance used to analyze the data. Findings from the analysis of research data showed that by controlling the effect of pre-test, between the mean post-test scores of the experimental group and the control group in the variables of irrational beliefs ($F = 48.78$ and $\eta 2 = 0.72$), And alexithymia ($F = 45.23$ and $\eta 2 = 0.68$), there was a significant difference ($P < 0.001$). Overall, according to the results of this study, it can be concluded that systemic-constructivist couple therapy as an effective intervention to correct irrational beliefs and reduce emotional dysfunction of women seeking a divorce, was effective.

Keywords: *systemic-constructivist couple therapy, irrational beliefs, emotional failure, divorce*

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - سازه گرا بر باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی زنان درخواست‌کننده طلاق

زهرا آقا میر محمدعلی
Z.aqamir@aut.ac.ir

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

خدیجه کابلی
کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، زنجان، ایران.

آزاده کلانی سار وکلایی
کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، مؤسسه آموزش عالی فروردین قائم‌شهر، مازندران، ایران.

چکیده

عوامل روان‌شناختی فراوانی مسئول بروز ناسازگاری‌های زناشویی و طلاق در میان زوجین هستند که نیاز است به درمان و مهار آن‌ها توجه شد. ازاین‌رو، این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی زنان درخواست‌کننده طلاق انجام شد. روش این پژوهش نیمه آزمایشی همراه با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه پژوهش دربرگیرنده همه زنان درخواست‌کننده طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و درمانگاه‌های خانواده شهر تهران در شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ بودند که شمار ۳۰ نفر از آن‌ها بهروش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه به اندازه یکسان گمارده شدند. افراد گروه آزمایش، روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا را در ۹ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای (در هر هفته ۲ جلسه) دریافت کردند؛ گروه گواه در فهرست انتظار نهاده شد. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های باورهای غیرمنطقی جونز (۱۹۶۸) و ناگویی طبعی بگبی و همکاران (۱۹۹٤)، استفاده شد. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. یافته‌های برآمده از تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که با مهار اثر پیش‌آزمون، میان میانگین نمرات پس‌آزمون افراد گروه آزمایش و گروه گواه در متغیرهای باورهای غیرمنطقی (٤٨/٧٨ =F و ۰/۷۲ = η2) و ناگویی طبعی (٤٥/٢٣ =F و ۰/۶۸ = η2)، تفاوت معناداری وجود داشت (P<۰/۰۰۱). درمجموع، با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا به عنوان یک مداخله کارآمد برای سامان دادن باورهای غیرمنطقی و کاهش ناگویی طبعی زنان درخواست‌کننده طلاق، اثربخش بود.

واژه‌های کلیدی: *زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا، باورهای غیرمنطقی، ناگویی طبعی، طلاق*

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

مقدمه

طلاق[1] یکی از رخدادهای استرس‌زا و هیجانی زندگی افراد است. افکار و احساسات ناخوشایند، ناراحت‌کننده و هراس‌آور فراوانی در طول روند طلاق و بعدازآن به وجود می‌آید که فرد مجبور است برای داشتن تجربیات تازه در زندگی و آغاز زندگی پس از طلاق، با آن‌ها سروکار داشته باشد (راثی و پاچوری، ۲۰۱۸). ادبیات پژوهشی اجتماعی، جامعه‌شناسی، آموزشی و روانشناسی گسترده‌ای درباره پیامدهای طلاق، بازسازی زندگی پس از طلاق، سلامت بدنی و روانی، سازوکارهای رویارویی، نگرانی مربوط به کودکان، اندوه و ننگ وجود دارد (بلوم و کریستین، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، زنان مطلقه بیشتر از اضطراب، افسردگی، خشم، احساس بی‌کفایتی، طرد و تنهایی رنج می‌برند (کلوبکار، گوداوا جرجرج و کراکو، ۲۰۱۵). درواقع، طلاق یک پدیده روانی است که هم بر فرد و خانواده اثر منفی گذاشته و پدیده‌ای دقیقاً چندعاملی است که آثار تباهگر آن در ابعاد اجتماعی فوق‌العاده زیاد بوده و مایه ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی بسیاری می‌شود. افزایش طلاق به یک پدیده بنیادین و اصلی در دگرگون کردن ساختار خانواده و در الگوی قشربندی در جوامع امروزی تبدیل‌شده است، به همین دلیل شناخت عوامل مؤثر در بروز تعارضات زناشویی و طلاق از اولویت‌های بهداشت روان به شمار می‌آید (حیدری راد، شفیعی و بشر پور، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش‌ها روشنگر آن است که ناگویی طبعی[2] می‌تواند یکی از دلایل تعارضات زناشویی در زنان در معرض طلاق باشد (عباسی، درگاهی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷؛ خواجه و خضری مقدم، ۱۳۹۵). دانگس و سوسلوو (۲۰۱۷)، در یک پژوهش نظام‌مند بازنگری‌ای به بررسی ۲۲ پژوهش که میان سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ انجام‌شده بودند، پرداخته‌اند و گزارش کرده‌اند که افراد دچار ناگویی طبعی در پردازش خودکار محرک‌های هیجانی هم در سطح رفتاری و هم در سطح نوروبیولوژی مشکل دارند. افراد توانمند از دید هیجانی احساس‌های خود را تشخیص می‌دهند، مفاهیم ضمنی آن را درک می‌کنند و به گونه کارآمدتری حالت‌های هیجانی خود را برای دیگران بیان می‌کنند. این افراد در سنجش با کسانی که توانایی درک و بیان حالت‌های هیجانی را ندارند، در کنار آمدن با تجربه‌های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری مناسب‌تری را در ارتباط با محیط و دیگران نشان می‌دهند (شیرازی، بختیاری ارکسی و علیزاده ذکریا، ۱۳۹۶). در ارتباط با زوجین

1. divorce
2. alexithymia

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

به نظر می‌رسد که زن و مرد به‌جای ابراز هیجانات نیرومند، هیجاناتی را بیان می‌کنند که برایشان کمتر تهدیدکننده باشد؛ بنابراین زوجین آشفته در یک سری الگوهای خشک و چرخه‌های تعاملی که توسط خود آن‌ها تقویت می‌گردد و بارها و بارها تکرار می‌شود، گیر می‌افتند و عدم توانایی آن‌ها برای تحمل هیجاناتی که در آن گیر افتاده‌اند منجر به باقی ماندن آن‌ها در آشفتگی و ناسازگاری بیشتر گرفتاری‌ها غیرقابل‌حل می‌شود (ولدارسکی، ۲۰۰۶). مؤید، حاجی علی‌اکبری مهریزی و باق (۱۳۹۷)؛ بابایی، منور یزدی و قاسم‌زاده (۱۳۹۷) و عباسی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش‌ها خود نشان دادند که هر چه تراز ناگویی طبعی افزایش یابد، تعارضات زناشویی افزایش خواهد یافت. درمجموع، می‌توان گفت که توانایی تشخیص عواطف و هیجان‌ها و توانایی ابراز آن‌ها برای حفظ زناشویی رضایت‌بخش، ضروری است (اولسون و آمیلسون، ۲۰۱۸؛ شیرازی، بختیاری ارکسی و ذکریا، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از سازه‌های مرتبط با مشکلات زناشویی و طلاق، باورهای غیرمنطقی[1]، است. باورهای اغراق‌آمیز، مطلق‌گرا، نامعقول و انعطاف‌پذیر هستند (الیس، ۲۰۰۳). باورهای غیرمنطقی دو ویژگی دارند: ۱) توقعات خشک و تعصب‌آمیزی هستند که معمولاً با واژگان باید و حتماً بیان می‌شوند ۲) فلسفه‌های خود آشفته ساز که معمولاً حاصل این توقعات هستند و انتساب‌های نامعقول و بیش‌ازحد تعمیم‌یافته ایجاد می‌کنند (پروچسکا و نورکراس، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸). افکار غیرمنطقی با واقعیت همگونی ندارند و بر پایه ظن و گمان هستند و این امر موجب تعارض شده و مانع برخورد موفقیت‌آمیز فرد با حوادث و الزام‌های زندگی می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). نتایج نشان داده است که میان ۸۵ تا ۹۱ درصد از کسانی که در آستانه طلاق قرار دارند از ابتدای روابط زناشویی عقاید مثبت و پیش‌بین‌های غیرواقع‌بینانه و غیرمنطقی از رابطه زناشویی داشته و بر این باور بوده‌اند که احتمال طلاق برای آن‌ها صفر است (مینوت، پدرسن و مانون، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌های پور محمدرضای تجریشی و همکاران (۱۳۹۳) مؤید ارتباط منفی میان باورهای غیرمنطقی و سازگاری زناشویی بود. طبق گزارش انجمن ملی بهداشت روانی[2] (۲۰۰۹)، درماندگی نسبت به تغییر منتج از وابستگی است که می‌توانند یک رفتار آموخته‌شده باشد و از نسلی به نسل دیگر منقل شود. درواقع، وابستگی یک وضعیت هیجانی و رفتاری است که بر توانایی فرد برای داشتن یک رابطه زناشویی

1. irrational beliefs
2. National association of mental health

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

رضایت‌بخش و سالم تأثیر می‌گذارد. یکی از علل زیربنایی این وابستگی را باورهای غیرمنطقی فرد وابسته از قبیل سردرگمی و حس بی‌کفایتی و اعتقاد به این‌که دیگـــران مسئول هیجان‌ها و انتخاب‌های وی هستند تشکیل می‌دهد. نتایج تحقیق تروکس و پل (۱۹۹۲؛ به نقل از پور محمدرضای تجریشی، پهلوان نشان و نجفی فرد، ۱۳۹۳) نشان داد که باورهای غیرمنطقی یک عامل شناخته‌شده در بروز اختلاف‌های زناشویی است. کسانی که دچار نگرش‌های ناکارآمد و باورهای غیرمنطقی هستند آشفتگی‌های هیجانی نیز خواهند داشت (برادران عطار مقدس و نیری، ۱۳۹۴).

با توجه به نقش تجارب خانوادگی و روابط درون خانواده در کیفیت ارتباطات بعدی افراد، به نظر می‌رسد که از رهگذر پرداختـــن به این بنیان زیر ساختاری از طریق زوج‌درمانی می‌توان به‌بهبود اوضاع خانواده‌ها امید بســـت (جعفری، صمدی کاشان، هنگامی زارچی و آسایش، ۱۳۹۷). در این رابطه، یکی از درمان‌هایی که در سال‌های اخیر موردتوجه محققان قرارگرفته است و از دید کارایی تطابق‌پذیری بالایی نشان داده است، زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا[1] است. این روش درمانی طی مطالعه‌ای بر روی زوج‌های جنوب آسیا شکل‌گرفته است (مامی و صفرنیا، ۱۳۹۷). رید و همکاران (۲۰۰۶) و رید، دوئل، دالتون و احمد (۲۰۰۸) واکنش زوج‌ها به درمان بالینی روش سیستمی- سازه گرا را موردبررسی قرار دادند. جهت‌گیری‌های سیستمی و سازه گرا، جایگاه مهمی در حوزه خانواده‌درمانی دارند. این روشها بر روابط میان فردی تأکیددارند و تقابل را در تعاملات میان افراد مدنظر قرار می‌دهند و به خانواده به‌عنوان یک کل تشکیل‌شده از مجموعه نقش‌های متفاوت توجه می‌کنند. درواقع متخصصان بالینی باید به الگوی روابط میان این اجزا توجه داشته باشند و فقط به اجزای تشکیل‌دهنده آن توجه نکنند (خدا یاری فرد و عابدینی، ۱۳۸۹). هدف این مداخله‌ها تقویت درک زوج از خود در رابطه زناشویی است. در این روش، درمانگر به فرآیندهای ناقص ارتباطی توجه می‌کند که دلیل شکایت‌های کنونی زوج‌ها هستند. باور معمول این است که افزایش سازگاری طرفین در رابطه باعث مقابله با تعارض‌ها می‌شود (مامی و صفرنیا، ۱۳۹۷). زوج‌هایی که سازگاری بیشتری با رابطه دارند می‌توانند تعارض‌های میان فردی را از یک دیدگاه مشترک پردازش کنند و تمایل دارند تا در موقع پردازش رابطه‌شان، از «ما» استفاده کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، زوج‌ها تمایل دارند به مشکلات از یک دیدگاه نگاه کنند. این نوع جهت‌گیری رابطه کمتر مورد مخالفت یکی از آن‌ها

1 .Couples Therapy System - Constructivist

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

قرار می‌گیرد، در ایجاد نتایج سودمند نقش بیش‌تری دارد و هویت زوجی در شیوه احساس و رفتار آن‌ها نمود پیدا می‌کند (احمد، ۲۰۱۲).

تحقیقات در حوزه روش سیستمی- سازه گرا نشان می‌دهد که این درمان می‌تواند بسیاری از جنبه‌های زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و همچنین موجب افزایش پردازش میان فردی و نزدیکی رابطه در زوج‌ها شود (رجبی، نادری نوبندگانی، امان الهی و شهنی ییلاق، ۱۳۹۴). حسینی، جهان، دیهیمی، سیاح، رنجبر سودجانی و علیزاده (۱۳۹۸) ضمن مطالعه‌ای نشان دادند که زوج‌درمانی سیستمی- سازه-گرا، مداخله‌ای کارآمد در جهت افزایش رضایت‌مندی زناشویی زنان است. نتایج پژوهش‌ها مامی و صفرنیا (۱۳۹۷)؛ مسعودی ثانی، پاک نیا و درودیان (۱۳۹۶)؛ یوسف زاده، فرزاد، نوابی نژاد و نورانی پور (۱۳۹۶) و بیدادیان، بهرامی زاده و پور شریفی (۲۰۱۱) حاکی از آن است که زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا، طرحواره‌های ناسازگاری به‌خصوص محرومیت هیجانی را در میان زوجین کاهش و روابط میان فردی و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. آزادی (۱۳۹۷) ضمن مطالعه‌ای نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی-سازه گرا بر افزایش بخشش خیانت فرضی همسر در زنان متأهل، تأثیر دارد. اصلاحی، عارفی، حسینی و امیری (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی بر افزایش هماهنگی زوجین دارای تعارض زناشویی، تأثیر دارد. پژوهش ویلسون، چارکر، لیزیو، هالفیرد و کیملین (۲۰۰۵) نیز، ارتباط میان زوج‌درمانی سیستمی – سازه گرا بر رضایت زناشویی در زوجین تازه ازدواج‌کرده را تائید کرده است. نتایج پژوهش‌ها عشقی (۲۰۱۳)؛ احمد (۲۰۱۲)؛ دوئل (۲۰۱۰)؛ کاوالیره (۲۰۰۸) و توماس و فلشر (۲۰۰۳)، نشان دادند که این درمان می‌تواند در افزایش شاخص‌های نزدیکی رابطه و روابط متقابل و نیز رضایت زناشویی مؤثر باشد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد کارایی روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا در جهت کاهش مشکلات زناشویی و تحکیم بنیاد خانواده و برتری این نوع روش درمانی نسبت به سایر مداخلات بر نزدیکی رابطه و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی زوج‌های آشفته (دوئل، ۲۰۱۰) و اهمیت متغیرهای باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر تحکیم روابط زناشویی و فقدان پژوهش‌های منسجم در داخل ایران، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر سامان دادن باورهای غیرمنطقی و کاهش ناگویی طبعی زنان درخواست‌کننده طلاق انجام شد.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

روش

روش این پژوهش نیمه آزمایشی همراه با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده همه زنان درخواست‌کننده طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و درمانگاه‌های خانواده شهر تهران شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ بودند که شمار ۳۰ نفر از آن‌ها به‌صورت هدفمند (بر پایه ملاک‌های ورود و خروج)، انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه به اندازه یکسان گمارده شدند. ملاک‌های ورود نمونه انتخابی عبارت بودند از: ۱- دامنه سنی ۴۰-۲۲؛ ۲- عدم اعتیاد به مواد افیونی و روان‌گردان‌ها و مصرف متادون؛ ۳- حداقل دارای دو سال زندگی مشترک؛ ۴- حداقل تحصیلات سیکل و حداکثر کارشناسی؛ ۵- نداشتن انواع روان‌پریشی‌ها و ۶- توانایی شرکت در جلسات درمانی. ملاک‌های خروج دربرگیرنده: ۱- عدم تمایل به شرکت در ادامه پژوهش و ۲- غیبت بیش از دو جلسه، بود. تائید تشخیص عدم وجود اختلالات توسط روان‌شناس پژوهش انجام شد

ابزارها

آزمون عقاید غیرمنطقی جونز[1]: این آزمون در سال ۱۹۶۸ توسط جونز تهیه گردید. اکثر تحقیقاتی که پیرامون رابطه عقاید و باورهای غیرمنطقی با کنش‌های رفتاری و عاطفی در زمینه درمان عقلانی- عاطفی صورت گرفته است، از این آزمون استفاده نموده‌اند. IBT از ۱۰ قسمت، دربرگیرنده ۱۰۰ عبارت تشکیل‌شده است و هر زیر مقیاس مربوط به یکی از باورهای غیرمنطقی است. آزمودنی هر عبارت را خوانده و موافقت یا عدم آن را از به‌شدت مخالف تا به‌شدت موافق مشخص می‌کند. جهت نمره‌گذاری به‌طرف غیرمنطقی بودن است؛ یعنی نمره کمتر نشان‌دهنده منطقی‌تر بودن فرد است. نمره گذار یاز ۱ تا ۵ است. در پایان نمرات فرد را در هر خرده مقیاس جمع کرده تا نمره کل فرد به دست آید. جونز (۱۹۶۸) اعتبار IBT را ۰/۹۲ گزارش کرد و پایایی هریک از مقیاس‌های ده-گانه آن را از ۰/۶۶ تا ۰/۸۸ به دست آورد. وودز (۱۹۹۳) روایی هم‌زمان این آزمون را ۰/۷۰، ۰/۵۹ و ۰/۵۵ گزارش کرده است. در مورد ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون باورهای غیرمنطقی می‌توان گفت که تحقیقات فراوانی، روایی این آزمون را مورد تائید قرار داده‌اند. برای مثال روایی این آزمون در پژوهشی که توسط تقی پور (۱۳۷۷) با به‌کارگیری یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه

1. Irrational Belief Test Jones

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

علامه طباطبائی، با میانگین سنی ۲۴/۲۵ صورت گرفت، به دست آمد. نتایج برآمده از پژوهش فوق نشان داد که روایی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ است. در پژوهش مشاک (۱۳۸۵) ضرایب پایایی پرسشنامه باورهای غیرمنطقی به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس به ترتیب ۶۶/ ۰ و ۶۵/ ۰ گزارش شد. در پژوهش صفاری نیا، علمی مهر، حشمتی و علمی مهر (۱۳۹۱) میانگین پایایی مؤلفه‌های آن ۰/۷۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس آلکسی‌تایمیا[1]: این مقیاس ۲۰ ماده‌ای توسط بگبی، پارکر و تیلور (۱۹۹۴) ساخته‌شده و ناگویی طبعی را در سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساس (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساس (۵ ماده) و تفکر برون‌گرد (۸ ماده) ارزیابی می‌کند. روش نمره‌گذاری این آزمون به شیوه‌ی لیکرت است. دامنه‌ی پاسخ به هر ماده دربرگیرنده ۵ درجه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق متغیر است. به پاسخ کاملاً مخالف، نمره‌ی یک و به پاسخ کاملاً موافق، نمره‌ی پنج تعلق می‌گیرد و ماده‌های ۱۹،۱۸،۱۰،۵،۴ به دلیل منفی بودن به شیوه‌ی معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این مقیاس نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده‌ی شدت بیشتر ناگویی طبعی است. در نسخه‌ی فارسی این پرسشنامه، ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل ناگویی طبعی و ۳ زیر مقیاس آن به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه کرد که نشانه همسانی درونی مناسب مقیاس است. پایایی باز آزمایی آن در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت، با فاصله ۴ هفته از ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ برای نمره کل ناگویی طبعی و زیرمقیاس‌های مختلف آن تائید شد. روایی هم‌زمان آن نیز برحسب همبستگی میان زیر مقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی بررسی و تائید شد (زکی‌یی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد.

مداخله

اعضای گروه آزمایش، روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا را مدت ۹ جلسه ۲ ساعته در هر هفته ۲ جلسه به‌صورت گروهی به شرح ذیل دریافت کردند:

1. Toronto Alexithymia Scale-20 (TAS-20)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

جلسه نخست: در جلسه نخست درمانگر، شرکت‌کنندگان را از برخی از یافته‌های تجربی زوج‌درمانی سیستمی – سازه گرا و نحوه‌ی به‌کارگیری این یافته‌ها آگاه کرد و به ارزیابی مشکل به وجود آمده و الگوی تعامل میان فردی آن‌ها پرداخت.

جلسه دوم: شرکت‌کنندگان در این جلسه تشویق شدند تا تعارض در حوزه‌های مختلف زندگی زناشویی را مشخص کنند.

جلسه سوم: در این جلسه به شرکت‌کنندگان آموزش داده شد تا به‌طور کامل به همسرشان گوش سپارند و صحبت‌های او را درک کنند و نه اینکه هنگام گوش دادن در فکر پاسخ دادن باشند.

جلسه چهارم: در این جلسه شرکت‌کنندگان تشویق شدند تا بر حوزه‌هایی تمرکز کنند که علی‌رغم تعارض در آن‌ها از صحبت کردن در موردشان طفره می‌روند.

جلسه پنجم: در این جلسه از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا با طور فردی فهرستی از ویژگی‌هایی که برای «رابطه ایدئال» آرزو می‌کنند را تهیه کنند. هدف از این تمرین این است که تمرکز شرکت‌کنندگان را از شکایت، انتقاد به‌سوی یک حالت مشارکتی فعال‌تر تغییر کند.

جلسه ششم: در این جلسه از فن تفکّر و صحبت در قالب شخص سوم استفاده شد. در این فن به شرکت‌کنندگان یاد داده می‌شود تعامل مشکل‌ساز با همسرانشان را موردبحث قرار دهند، درحالی‌که هم به خودشان و هم به همسرشان به‌عنوان سوم شخص اشاره دارند.

جلسه هفتم: در این جلسه باز هم در مورد مشکلات موجود در رابطه فن تفکر و صحبت در قالب شخص سوم مورداستفاده نهاده شد

جلسه هشتم: در این جلسه با زنان به‌گونه‌ای صحبت شد که گویی شوهر است. این فرآیند موجب می‌شود طرفی که در حال مصاحبه است، احساس کند که طرف دیگر است.

جلسه نهم: جمع‌بندی نهایی، اجرای مجدد ابزارها، تقدیر و تشکر و پایان دادن به درمان.

شیوه اجرای پژوهش

جهت انجام پژوهش با مراجعه به‌به مراکز مشاوره و درمانگاه‌های خانواده شهر تهران و انتخاب حجم نمونه با رضایت کتبی و گمارش آن‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل، پرسشنامه‌های پژوهش

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

به‌صورت گروهی بر روی افراد حاضر در پژوهش اجرا گردید. جهت رعایت اخلاق در پژوهش رضایت افراد برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه مراحل مداخله آگاه شدند. همچنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی این مداخله را دریافت خواهند نمود. همچنین به هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی می‌ماند و نیازی به درج نام نیست. در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون کلموگروف – اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها، تحلیل رگرسیون جهت بررسی شیب‌خط رگرسیون، همچنین از تحلیل کوواریانس برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. نتایج آماری با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری اس. پی.اس.اس نسخه ۲۲، مورد تجزیه‌وتحلیل قرارگرفته است.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که از ۳۰ نفر، ۲۰ نفر (۶۰ درصد) در میانگین سنی ۲۲-۳۵ و ۱۰ نفر (۴۰ درصد) در میانگین سنی ۳۶-۴۰ سال قرار داشتند. از دید میزان تحصیلات ۱۱ نفر دارای مدرک (سیکل)، ۱۵ نفر دارای مدرک (دیپلم) و ۴ نفر دارای مدرک (لیسانس)، بودند. همه شرکت‌کنندگان متأهل و بالای ۲ سال زندگی مشترک بودند. از میان آن‌ها، ۱۵ نفر دارای (۲ فرند)، ۷ نفر دارای (۳ فرزند) و ۸ نفر (دارای بالای ۳ فرزند) بودند. در جدول ۱، آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی به تفکیک گروه در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی به تفکیک گروه و مرحله آزمون

مؤلفه‌ها	گروه	آزمایش		گواه	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
باورهای غیرمنطقی	پیش‌آزمون	۱۷۴/۱۴	۲۱/۴۳	۱۷۷/۹۷	۲۱/۸۳
	پس‌آزمون	۱۴۵/۱۰	۱۸/۳۲	۱۷۷/۶۷	۲۱/۶۴
ناگویی طبعی	پیش‌آزمون	۴۷/۲۳	۹/۴۳	۴۷/۹۷	۹/۸۳
	پس‌آزمون	۳۰/۱۰	۸/۳۲	۴۷/۶۷	۹/۶۴

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

پیش از ارائه نتایج تحلیل آزمون کوواریانس، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک سنجیده شد. نتایج آزمون لوین جهت بررسی تساوی واریانس گروه‌ها در متغیرهای باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی، نشان داد، سطح معناداری به‌دست‌آمده در متغیرهای وابسته پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان قضاوت کرد که گروه‌های آزمایش و کنترل از دید پراکندگی نمرات باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی خود در مرحله پیش‌آزمون یکسان هستند. همچنین، نتایج آزمون کلموگروف – اسمیرنوف به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای وابسته پژوهش نشان داد، شرط نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای وابسته در مرحله پس‌آزمون رد نشد (P> ۰/۰۵). در ادامه، نتایج آزمون فرض همگنی شیب رگرسیون، نشان داد که داده‌ها از فرضیه همگنی شیب رگرسیون در سطح (P> ۰/۰۵) پشتیبانی می‌کنند. همچنین، با توجه به نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری جدول ۲، امکان خطای نوع دوم وجود نداشته است و محقق مجاز است تا از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده کند.

جدول ۲. تحلیل کوواریانس چند متغیری برای بررسی اثر گروه بر متغیرهای باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی

متغیر	آزمون	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معناداری	مجذور اتا
باورهای غیرمنطقی	اثر پیلایی	۰/۶۲	۷/۹۳	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۶
	لامبدای ویلکز	۰/۶۲	۷/۹۳	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۶
	اثر هتلینگ	۵/۶۱	۷/۹۳	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۶
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۵/۶۱	۷/۹۳	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۶
ناگویی طبعی	اثر پیلایی	۰/۵۲	۶/۸۷	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵
	لامبدای ویلکز	۰/۵۵	۶/۸۷	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵
	اثر هتلینگ	۰/۹۱	۶/۸۷	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۹۱	۶/۸۷	۳	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، با کنترل اثر پیش‌آزمون، میان میانگین نمرات پس-آزمون افراد گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیرهای باورهای غیرمنطقی (F= ۴۸/۷۸ و η^2 = ۰/۷۲) و ناگویی طبعی (F= ۴۵/۲۳ و η^2 = ۰/۶۸)، تفاوت معناداری وجود داشت (P<۰/۰۰۱).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره به‌منظور بررسی اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
باورهای غیرمنطقی	گروه	۲۰۱۴/۹۹	۱	۲۰۱۴/۹۹	۴۸/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۷۲
ناگویی طبعی	گروه	۴۵۶۷/۲۳	۱	۴۵۶۷/۲۳	۴۵/۲۳	۰/۰۰۱	۰/۶۸

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی روش زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر کاهش باورهای غیرمنطقی و ناگویی طبعی زنان درخواست‌کننده طلاق انجام شد.

نتایج برآمده از این پژوهش نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر سامان دادن باورهای غیرمنطقی زوجین درخواست‌کننده طلاق، اثربخش بود. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌ها حسینی و همکاران (۱۳۹۸)؛ مامی و صفرنیا (۱۳۹۷)؛ مسعودی ثنایی و همکاران (۱۳۹۶)؛ یوسف زاده و همکاران (۱۳۹۶) و عشقی (۲۰۱۳)، است. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت که داشتن باورهای غیرمنطقی زنان درباره همسرشان به این موضوع اشاره دارد که آن‌ها معتقد هستند که مشکلاتی رفتاری در همسرشان امری سرشتی است؛ ازاین‌روی آن‌ها هیچ‌گونه کوششی برای دگرگون کردن وضع موجود از خود نشان نمی‌دهند. این امر در روابط زوجین باعث از دست دادن تفکر حل مسئله شده، مشکلات آن‌ها روزبه‌روز عمیق‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. حال‌آنکه در مداخلات زوج‌درمانی مانند زوج‌درمانی سیستمی – سازه گرا به دنبال شکل‌گیری و افزایش پردازش میان فردی، افراد هم از نحوه حرف زدنشان با یکدیگر و هم تجربه‌ای که از یکدیگر کسب می‌کنند، یک دید آگاهی فراشناختی به دست آورند. تا آنجایی که اغلب گزارش کرده‌اند این آگاهی به تغییرهای بنیادی در شیوه ارتباط، حل مسئله، مذاکره درباره ناهمسانی‌ها، آسایش و ایجاد حمایت هیجانی از سوی همسرانشان در درون آن‌ها منجر می‌شود (مامی و همکاران، ۱۳۹۷) که خلأهای عاطفی آن‌ها را پر می‌کند؛ ازاین‌رو از تراز افکار غیرمنطقی آنان نیز کاسته می‌شود. این درحالی‌که است که کسانی که باورهای غیرمنطقی آن‌ها در سطح بالایی قرار دارد، در برابر رفتار دیگران واکنش عاطفی نشان می‌دهند، بخش عمده نیروشان را صرف تجربه، بیان و تشدید

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

عواطفشان می‌کنند، هنگامی‌که تجربه‌های درونی یا تعاملات میان فردی بسیار تنش‌زا باشد، از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند؛ درحالی‌که افراد با باورهای منطقی ضرورتی احساس نمی‌کنند که ازلحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این‌گونه افراد از هویتی استوار برخوردارند؛ افراد با باور غیرمنطقی روی‌هم‌رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند؛ آن‌ها از دید عاطفی به دیگران وابسته‌اند، به‌دشواری می‌توانند برای خودشان فکر، احساس و عمل کنند؛ که همگی این ویژگی‌های فردی مربوط به افراد با باورهای غیرمنطقی می‌تواند در فروپاشی زندگی زناشویی نقش داشته باشد.

نتایج برآمده از این پژوهش نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر کاهش ناگویی طبعی زوجین درخواست‌کننده طلاق، اثربخش بود. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌ها مامی و صفرنیا (۱۳۹۷)؛ اصلاحی و همکاران (۱۳۹۷)؛ آزادی (۱۳۹۷)؛ رجبی و همکاران (۱۳۹۴)؛ عشقی (۲۰۱۳)؛ دوئل (۲۰۱۰)؛ کاوالیره (۲۰۰۸)؛ ویلسون و همکاران (۲۰۰۵) و توماس و فلشر (۲۰۰۳)، است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در جریان مداخله درمانی به زنان آموزش داده شد تا با به‌کارگیری فنون شریک درونی و به چالش کشیدن افکار، هنگام تجربه تعارض و ناسازگاری زناشویی، با پریشانی برآمده از تجارب منفی و احساساتی که خود را تهدید می‌کند، روبرو شوند و با ارزیابی شرایط، فرآیندهای ذهنی، انگیزشی و پذیرش خود، به خود اجازه دهند تا احساساتشان به‌صورت شایسته بازگو شده و سطح سلامت و انسجام هیجانی خود را حفظ کنند. همچنین، رویارویی فعال و مؤثر همراه با افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در جریان زوج‌درمانی موجب می‌شود، این‌گونه افراد فشارهای ناخواسته دیگران را در مناسبات اجتماعی درک، هیجان‌های خود را مهار و کارکرد هیجانی مثبت و معناداری داشته باشند. نکته مهم این است که این درمان موجب می‌گردد که مراجعین نقطه نظرات خود و همسر خود توجه بالایی نمایند و این نکته به‌عنوان وسیله‌ای برای پایا نگه‌داشتن و جلوگیری از سردی روابط و درنهایت موجب افزایش کیفیت روابط و به طبع آن کاهش اختلافات زناشویی خواهد شد (دوئل، ۲۰۱۰). در زوج‌درمانی سیستمی – سازه گرا اعتقاد بر آن است که این درمان باعث می‌شود زوج‌ها به‌تدریج واکنش‌های متفاوت‌تری با افزایش بینش طرفین نسبت به خود، یکدیگر و رابطه، ارائه دهند و به‌طورکلی با تسریع پردازش میان فردی باعث محرومیت‌هایی از قبیل محرومیت هیجانی و افزایش همکاری شفاف‌تر و خودبه‌خودی‌تر در رابطه آن‌ها می‌شود و پردازش زوجین از موقعیت‌ها را آرام‌تر می‌کند و با تمایلات

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

خودمحورانه برای در نظر گرفتن رابطه برحسب منافع شخصی مقابله می‌کند (فرگوس و رید، ۲۰۰۱؛ احمد، ۲۰۱۲). زنانی کـه تـا دیروز فکر می‌کردند، مشکل آن‌ها پیچیده و وحشتناک است و راهی به‌جز طـلاق ندارنـد، اکنون با شرکت در جلسات درمانی امیدوار شـده و متوجـه خواهنـد شـد کـه توانایی‌های لازم برای حل مشکل خویش را دارند. علاوه بر این، با اجرای فنونی چـون اتخـاذ دیدگاه و اجتناب، زنان متوجـه خواهند شد که اگر قادرند تعارض را ایجـاد کننـد بـه همـــان صـورت قادرنـد آن را متوقـف کنند و راه‌حل‌های مختلفی برای حل تعارضات خـود اسـتفاده می‌کنند. در جلسات درمانی زنان با به‌کارگیری فنون تغییر جهت‌گیـری از انتقـاد و شـکایت به‌سوی مشارکت فعال و رسیدن به رابطه ایدئال به بحـث و گفتگو درباره مشکل تشویق می‌شوند و با بهبود ارتباط میان افراد در بعد ابـراز، هرکدام از زنان مواردی را بیان کردند کـه در ارتبـاط برای آن‌ها اهمیـت دارد و آن‌ها را ناراحت می‌کنـد، درنتیجه میـزان ناگویی طبعی آن‌ها کاهش پیداکرده و بالطبع رضـایت آن‌ها از رابطه زناشویی افـزایش پیداکرده و از میـزان گرایش به طلاق آن‌ها کاسـته شـد و می‌توانند به در برابر وقایعی مثل خیانت همسر با راهبردهای شناختی مناسب به تنظیم هیجانات خود بپردازند.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. ازجمله محدودیت‌های جدی این پژوهش می‌توان به منحصر بودن نمونه پژوهش به زنان درخواست‌کننده طلاق اشاره کرد که از تعمیم‌پذیری پایین نتایج به جمعیت‌های مشابه برخوردار است. همچنین، اثرات درمان در فواصل هنگامی مختلف مورد پیگیری قرار نگرفته است. درمجموع، با توجه به اینکه بخش وسیعی از مشکلات زوجین ریشه در مسائل عاطفی و هیجانی دارد و ناتوانی در ابراز به‌موقع و به گونه مناسب این هیجانات در ابتدا منجر به کناره‌گیری، جدایی عاطفی و از دســت رفتن صمیمیت و درنهایت طلاق می‌شود، ازاین‌روی می‌توان به این نتیجه رســید، تنها بررســی منطقی و عقلانی مســائل زوجین راهگشای مشــکل نخواهد بود و درمانگر را از پرداختن به مسائل هیجانی آنان بازمی‌دارد. ازآنجایی‌که بســیاری از مسائل زوجین با چگونگی ابراز هیجانات و باورهای غیرمنطقی در ارتباط است، لازم است درمانگران بیش‌ازپیش توجه خود را به این مهم توجه داشته باشند و از نتایج سودمند زوج‌درمانی سیستمی-سازه گرا در این رابطه بهره ببرند.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

تقدیر و تشکر. در پایان بر خود لازم می‌دانیم تا از همه زنانی که به‌عنوان شرکت‌کننده ما را در اجرای این پژوهش کمک کردند، کمال قدردانی را به عمل‌آوریم.

تضاد منافع. پژوهش حاضر هیچ‌گونه تضاد منافعی برای نویسندگان نداشته است.

منابع

آزادی، شهندخت (۱۳۹۷). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر بخشش خیانت فرضی همسر در زنان متأهل شهر شیراز. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۱(۱)، ۱-۱۳۳.

اصلاحی، نوشین؛ عارفی، مختار؛ حسینی، سعیده سادات؛ امیری، حسن (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و شناختی –سیستمی گاتمن بر هماهنگی زناشویی زوج‌های متعارض. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۷(۷۱)، ۸۵۶-۸۴۹.

بابایی، راضیه؛ یزدی، سیده منور؛ قاسم زاد، سوگند (۱۳۹۷). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر پایه حمایت ادراک‌شده، ناگویی هیجانی و ابراز صمیمیت. *فصلنامه پرستار و پزشک در رزم*، ۱۸(۶)، ۵۱-۴۱.

برادران عطار مقدس، طاها؛ نیری، مریم (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی آموزش عقلانی -عاطفی به شیوه گروهی بر سامان دادن باورهای غیرمنطقی در دانشجویان دچار وسواس فکری – عملی، *اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز*، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز، ایران.

پروچسکا، جانسن؛ نورکراس، جی (۱۳۸۶). *نظریه‌های روا درمانی*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران : انتشارات رشد.

پور محمدرضای تجریشی، معصومه؛ پهلوان نشان، سحر؛ نجفی فرد، طاهره (۱۳۹۳). رابطه‌ی باورهای غیرمنطقی و سازگاری زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۴(۵۳): ۱۹۳-۱۷۲.

تقی پور، منوچهر (۱۳۷۷). *بررسی و مقایسه باورهای غیرمنطقی در اختلالات روان‌تنی با افراد بهنجار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه عامه طباطبایی.

جعفری، فاطمه؛ صمدی کاشان، سحر؛ هنگامی زارچی، محمدصادق؛ آسایش، محمدحسن (۱۳۹۷). اثربخشی زوج‌درمانی گروهی هیجان‌مدار بر خود متمایزسازی زوجین دارای تعارضات زناشویی. *فصلنامه مددکاری*، ۷(۱)، ۱۳-۵.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

حسینی، زینب السادات؛ جهان، جواد؛ دیهیمی، مرجانه؛ سیاح، سرور السادات؛ رنجبر سودجانی، یوسف؛ حبیبی، مرضیه (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا و آموزش الگوی ارتباطی خانواده کثرت‌گرا بر رضایت‌مندی زناشویی زنان دچار سرطان سینه. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸ (۶۹)، ۱۲۲-۱۰۶.

حیدری راد، حدیث؛ شفیعی، معصومه؛ بشر پور، سجاد (۱۳۹۵). مقایسه نگرش‌های ناکارآمد و انعطاف-پذیری شناختی در زنان با و بدون سابقه طلاق. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۸(۳۰)، ۱۱۲-۱۰۳.

خدا یاری فرد، محمد؛ عابدینی، یاسمین (۱۳۸۹). *نظریه‌ها و اصول خانواده‌درمانی و کاربرد آن در درمان اختلالات کودکان و نوجوانان*. تهران: دانشگاه تهران.

خواجه، فرزانه؛ خضری مقدم، نوشیروان (۱۳۹۵). رابطه‌ی ناگویی هیجانی و مشکلات میان شخصی با رضایت زناشویی در پرستاران زن متأهل. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، ۱۴(۷)، ۶۳۸-۶۳۰.

رجبی، غلام‌رضا؛ نادری نوبندگانی، زهرا؛ امان الهی، عباس؛ شهنی ییلاق، منیجه (۱۳۹۴). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - سازه گرا بر پردازش میان فردی و نزدیکی رابطه در زوج‌های آشفته. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۳ (۲۰)، ۱۲۸-۱۰۵.

زکی‌یی، علی (۱۳۹۱). *رابطه آلکسی تایمیا، باورهای غیرمنطقی، عاطفه مثبت و منفی با اختلال‌های روانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

شیرازی، رؤیا؛ بختیاری ارکسی، حمید؛ علیزاده ذکریا، رامین (۱۳۹۶). مقایسه تمایزیافتگی و ابرازگری هیجانی در همسران خیانت دیده و عادی. *مجله روان‌شناسی معاصر*، ۱۲(ویژه‌نامه)، ۹۹۰-۹۸۶.

صفاری نیا، مجید؛ علمی مهر، مهرجان؛ حشمتی، حسن؛ علمی مهر، فرشید (۱۳۹۱). مقایسه حمایت اجتماعی و باورهای غیرمنطقی در حوادث کاری شرکت توزیع برق خراسان شمالی. *فصلنامه روان‌شناسی صنعتی*، ۳ (۱۲)، ۵۲-۴۲.

عباسی، مسلم؛ درگاهی، شهریار؛ قاسمی جوبنه، رضا (۱۳۹۷). نقش نارسایی شناختی و ناگویی طبعی در تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۲۰(۱)، ۶-۱.

مامی، شهرام؛ صفرنیا، افشین (۱۳۹۷). اثربخشی رویکرد زوج‌درمانی سیستمی- سازه گرا بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و گرایش به روابط فرا زناشویی زنان متقاضی طلاق. *فصلنامه پژوهش‌ها روان‌شناختی*، ۱۴(۱)، ۹۱-۷۵

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

مسعودی ثانی، راحله؛ پاک نیا، نسیم؛ درودیان، فریبا. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی-سازه گرا بر افزایش رضایت‌مندی زناشویی زنان دچار سرطان سینه. *فصلنامه زن و پژوهش‌ها خانواده*، ۳۶(۷)، ۷۰-۵۵.

مشاک، رضا (۱۳۸۵). *مقایسه باورهای غیرمنطقی، حمایت اجتماعی و اضطراب اجتماعی دبیرستان‌های اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

مؤید، فائزه؛ حاجی علی‌اکبری مهریزی، سیما؛ باق، محمد (۱۳۹۷). نقش ناگویی هیجان در سازگاری زناشویی زنان درخواست‌کننده طلاق. *فصلنامه زن و پژوهش‌ها خانواده*، ۱۱(۴۲)، ۱۴۰-۱۲۵.

یوسف زاده، پیمان؛ فرزاد، ولی‌الله؛ نوابی نژاد، شکوه؛ نورانی پور، رحمت‌الله (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش زوج‌درمانی سیستمی _ رفتاری بر بهزیستی روانی زوج‌های ناسازگار. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵(۶۳)، ۶۶-۵۰.

Ahmad, S. (2012). *Enhancing the quality of South Asian Marriages through Systemic-Constructivist Couple Therapy (SCCT): Investigating the role of Couple Identity in Marital Satisfaction.* dissertation submitted for Doctorate in Clinical Psychology, York University, Toronto, Canada.

Bagby, R.M, Parker, J. D.A. & Taylor, G.J. (1994). The twenty-item Toronto alexithymia scale- I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38(1), 23-32.

Bidadian, M., Bahramizadeh, H., & Poursharifi, H. (2011). Obesity and quality of life: The role of early maladaptive schemas. *Social and Behavioral Sciences Journal, 30(3),* 993 – 998.

Blum, C. A., & Christine, E. L. (2018). Concerns of the Divorced Woman and Impact on Health. *Journal of Family Medicine Forecast*. 1(1), 1005.

Cavaliere, C. (2008). *Listening to Understand as a Therapeutic Strategy for Enhancing Interpersonal Processing in an Intimate Relationship*. York University, Toronto, Ontario, Canada.

Doell. F. K. (2010). *Enhancing couples' communication through Systemic-Constructivist Couple Therapy: The relationship between marital listening and relationship quality.* Dissertation submitted for Doctorate in philosophy. York University. Canada.

Donges, U. S., & Suslow, T. (2017). Alexithymia and automatic processing of emotional stimuli: a systematic review. Reviews in the Neurosciences, 28(3), 247-264.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

Ellis, A. (2003). Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors. Amherst, NY: Prometheus Books.

Jones, R.G.A. (1968). Factored Measure of Ellis Irrational Belief System with Personality
and Maladjustment Correlates. *Wichita, Ks. Test systems.*

Klobucar, N. R., Godava, M., Gerjolj, S., & Krakow (2015). *Emotional Changes After Divorce in Women*, [in:] *Faces of Women*, 89–100.

-Minnotte, K. L., Pedersen, D. and Mannon, S. E. (2010). The emotional terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction. The Social Science Journal, 47, 747-761.

Olson, DH., & Amyolson, K. (2018). *Empowering Couples: Building on Your Strengths*. Minneapolis, MN: Life Innovations Inc.

Rathi, P., & Pachauri, J. P. (2018). Problems faced by divorced women in their pre and post-divorce period: A sociological study with reference to District Meerut. *Journal of Pharmacognosy and Phytochemistry*, 7(1), 207-212.

Reid, D. W., Dalton, J., Laderoute, K., Doell, F., & Nguyen, T. (2006). Therapeutically induced changes in couple identity: The role of we-ness and interpersonal processing in relationship satisfaction. *Genetic, Social and General Psychology Monographs*, 132, 121-143.

Reid, D. W., Doell, F., Dalton, J., & Ahmad, S. (2008). Systemic Constructivist Couple Therapy (SCCT): Description of approach, theoretical advances, and published longitudinal evidence. *Psychotherapy Theory, Research, Practice, Training*, 45, 4, 477–490.

Thomas, G., & Fletcher, G. (2003). Mind-reading accuracy in intimate relationships: Assessing the roles of the relationship p, the target, and the judge. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 1079-1094.

Wilson, K. L. Charker, J. Lizzio, A. Halfird, K. & Kimlin, S. (2005). Assessing how much couples work at their relationship: The behavioral self–regulation for effective relationship scale. *Journal of Family Psychology*, 19(3), 385-393.

Woldarsky, C. (2006). *A task analysis of forgiveness in emotion-focused couple therapy*. Thesis for the degree of Master of Arts of York University, Toronto.

Woods, P.J. (1993). *Beliefs that Disturb, an Analytical Report with Arguments and Alternative beliefs.*

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 6, N. 1 (11): 1- 22.

Reference in Persian

Azadi, S. (2018). The effectiveness of systemic-constructivist couple therapy on forgiving hypothetical infidelity in married women in Shiraz. *Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 61(1), 1-133. (In Persian).

Islahi, N., Arefi, M., Hosseini, S. S., & Amiri, H. (2018). Comparison of the effectiveness of emotion-oriented and cognitive-systemic Guttman system on marital coordination of conflicting couples. *Journal of Psychological Sciences,* 17 (71), 856-849. (In Persian).

Babaei, Razia; Yazdi, Seyedeh Munawwar; Qasemzad, Oath (1397). Predicting marital satisfaction based on perceived support, emotional resentment, and intimacy. Quarterly Journal of Nurse and Physician in Warfare, 18 (6), 51-41. (In Persian).

Taqi Pour, M. (1987). *Study and comparison of irrational beliefs in mental disorders with normal people*. Master Thesis in Consulting, Tabatabai Public University. (In Persian).

Jafari, F., Samadi Kashan, S., Zamani Zarchi, M. S., Asayesh, M. H. (2018). The effectiveness of emotion-oriented group couple therapy on self-differentiation of couples with marital conflicts*. Aid Quarterly*, 7(1), 13-5. (In Persian).

Hosseini, Z. S., Jahan, J., Dihimi, M., Sayyah, S. S., Ranjbar Soodjani, Y., Habibi, M. (2019). Comparison of the effectiveness of systemic-constructivist couple therapy and teaching the communication model of a pluralistic family on marital s*atisfaction of women with breast cancer. Journal* of Consulting Research, 18(69), 122-106. (In Persian).

Khodayari Fard, M., & Abedini, Y. (2010). *Theories and principles of family therapy and its application in the treatment of disorders in children and adolescents*. Tehran: University of Tehran. (In Persian).

Khwaja, F., & Khezri Moghadam, N. (2015). The Relationship between Emotional Dysfunction and Interpersonal Problems with Marital Satisfaction in Married Female Nurses. *Journal of Urmia School of Nursing and Midwifery,* 14(7), 638-630. (In Persian).

Rajabi, G. R., Naderi Nobandegani, Z., Aman Elahi, A., Shahni Yilagh, M. (2014). The effectiveness of systemic-constructivist couple therapy on interpersonal processing and relationship intimacy in disturbed couples. *Psychological Methods and Models*, 3(20), 128-105. (In Persian).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

Zakiai, A. (2011). *Relationship between alexithymia, irrational beliefs, positive and negative emotions, and mental disorders*. Master Thesis in Psychology, Razi University, Kermanshah. (In Persian).

Shirazi, R., Bakhtiari Arksi, H., & Alizadeh Zakaria, R. (2017). Comparison of differentiation and emotional expression in unfaithful and normal spouses. *Journal of Contemporary Psychology*, 12(Special Issue), 990-986. (In Persian).

Saffarinia, M., Alami Mehr, M., Heshmati, H., & Alami Mehr, F. (2011). Comparison of social support and irrational beliefs in work accidents of North Khorasan Electricity Distribution Company. *Quarterly Journal of Industrial Psychology*, 3(12), 52-42. (In Persian).

Abbasi, M., Dargahi, S., & Ghasemi Jobneh, R. (2018). The role of cognitive impairment and alexithymia in marital conflicts of women at risk of divorce. *Journal of Shahrekord University of Medical Sciences*, 20(1), 1-6. (In Persian).

Mami, S., & Safarnia, A. (2018). The effectiveness of systemic-constructivist couple therapy approach on early maladaptive schemas and the tendency to extramarital relationships of women seeking a divorce. *Journal of Psychological Studies,* 14(1), 91-75. (In Persian).

Masoudi Thani, R., Pakunia, N., & Doroudian, F. (2017). The effectiveness of systemic-constructive couple therapy on increasing marital satisfaction in women with breast cancer. *Journal of Women and Family Studies*, 36(7), 70-55. (In Persian).

Mushak, R. (2010). *Comparison of irrational beliefs, social support and social anxiety in Ahwaz high schools.* Master Thesis in General Psychology. The Islamic Azad University of Ahvaz. (In Persian).

Moayed, F., Haji Ali Akbari Mehrizi, S. (2018). The role of emotion nagging in the marital adjustment of women seeking a divorce. *Journal of Women and Family Studies*, 11(42), 140-125. (In Persian).

Yousefzadeh, P., Farzad, W. A., Nawabinejad, G., Nooranipoor, R. (2017). The effectiveness of systemic-behavioral couple therapy training on the psychological well-being of maladapted couples. *Journal of Consulting Research*, 15(63), 66-50. (In Persian).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-27]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1399.6.1.5.9]